

# پانیوم - شماره شانزدهم

زمان آخر

Jeff Pippenger

2026-02-19

باب یازدهم دانیال با معرفی دونالد ترامپ به عنوان آخرین رئیس‌جمهور ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس آغاز می‌شود. عبارت «در سال سوم کوروش»، که در باب دهم محل آغاز رؤیاست، در آیه نخست باب یازدهم با واژه «نیز» تکمیل می‌گردد.

و من نیز در سال نخست داریوش مادی، خود من، ایستادم تا او را تأیید و تقویت کنم. دانیال ۱۱:۱.

جبرئیل در آغاز روایت خود از باب یازدهم، با دقت به داریوش بازمی‌گردد و میان او و کوروش پیوند برقرار می‌کند. باب دهم به صورت یک رؤیا تا آخرین آیه باب دوازدهم امتداد می‌یابد، و آغاز آن در سال سوم کوروش است.

در سال سوم کوروش پادشاه پارس، امری به دانیال، که نامش بلطشصر بود، مکشوف شد؛ و آن امر راست بود، اما زمان مقرر طولانی بود؛ و او آن را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱۰:۱.

داریوش به همراه کوروش نماد ملت دوگانه مادها و پارس‌ها را تشکیل می‌دهند، که نمایانگر قدرت دوگانه جمهوری و پروتستانیسم در ایالات متحده‌اند؛ و بدین‌سان، نماد دوگانه وقت آخر را مجسم می‌سازند. تولد هارون و موسی در آغاز اسرائیل باستان، وقت آخر نبوت چهارصدساله ابراهیم را معین ساخت؛ همان‌گونه، تولد یحیی تعمیددهنده و مسیح دو نشان راه وقت آخر را در پایان اسرائیل باستان نمایان ساخت. عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد.

داریوش و کوروش توأمان نمایانگر آن نشانه راه‌اند که به منزله «وقت پایان» بازنمایی شده است؛ آنگاه که اسارت هفتادساله در بابل به پایان رسید.

"کلیسای خدا بر روی زمین، در طول این دوره طولانی جفای بی‌امان، به همان‌سان واقعاً در اسارت بود که بنی‌اسرائیل در دوران تبعید در بابل اسیر بودند." پیامبران و پادشاهان، ۷۱۴.

داریوش و کوروش نماد سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹ اند و «زمان پایان» را نشان می‌دهند؛ هنگامی که اسارت موازی اسرائیل روحانی در بابل روحانی پایان یافت. سال ۱۷۹۸ پایان نظام سیاسی پاپیت را، که به مثابه «وحش» نمایانده شده بود و فاحشه روم بر آن سوار بود، نشان داد.

پس در روح مرا به بیابان برد؛ و دیدم زنی که بر حیوانی ارغوانی‌رنگ نشسته بود، حیوانی که پر از نام‌های کفرآمیز بود و هفت سر و ده شاخ داشت. مکاشفه ۱۷:۳.

ناپلئون در سال ۱۷۹۸ به حیات آن وحش پایان داد، و در ۱۷۹۹، زنی که بر آن وحش سوار بود، در تبعید درگذشت. در ۱۹۸۹، هر دو، رونالد ریگان و جورج بوش بزرگ، رئیس‌جمهور بودند که این امر نشانگر زمان پایان در ۱۹۸۹ بود. داریوش و کوروش نمایانگر ریگان و بوش بزرگ‌اند. آیه دوم می‌گوید:

و اکنون حقیقت را به تو می‌نمایانم. اینک، هنوز سه پادشاه دیگر در پارس برخوانند خاست؛ و چهارمین، بسی توانگتر از همه ایشان خواهد بود؛ و به نیروی خویش از رهگذر ثروتش، همگان را بر ضد مملکت یونان برخواند شورانید. دانیال ۱۱:۲.

بیداری

داریوش، ریگان بود؛ کوروش، بوش بزرگ بود؛ و سه نفری که پس از کوروش آمدند، کلینتون، بوش کوچک و اوباما تفرقه افکن بودند؛ و رئیس‌جمهور چهارم و «بسیار ثروتمندتر» که جهانی‌گرایان یونان را برانگیخت، ترامپ بود. واژه «stir» به معنای «بیدار کردن» است. هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۱۵ نامزدی خود را اعلام کرد، جهانی‌گرایان، که یوئیل آنان را «کافران» می‌نامد، بیدار شدند.

امت‌ها برانگیخته شوند و به درّه یهوشافاط برآیند، زیرا در آنجا خواهم نشست تا همه امت‌های پیرامون را داوری کنم. داس را بزنی، زیرا موسم درو رسیده است؛ بیا بید، فرود آیی، زیرا چرخش پر است، خم‌ها لپریز شده‌اند، زیرا شرارت ایشان عظیم است. انبوه‌ها، انبوه‌ها در درّه داوری؛ زیرا روز خداوند در دره داوری نزدیک است. یوئیل ۱۲:۳-۱۴.

هرگاه «امت‌ها» بیدار شوند، در درّه یهوشافاط "روز یهوه نزدیک است". "یهوشافاط" به معنای داوری یهوه است؛ و آن دره را همچنین دره تصمیم می‌نامند. از سال ۲۰۱۵ به بعد، "انبوه‌ها" ی کره زمین حرکت به سوی دسته‌های گوناگون را آغاز خواهند کرد؛ دسته‌هایی که برای هر یک از بهانه‌هایی که آدمیان برای تصمیم‌نگرفتن به خدمت خدا می‌آورند، مهیا شده‌اند. در یازدهم سپتامبر، داوری زندگان آغاز شد، و در سال ۲۰۱۵، ترامپ اعلام کرد که برای ریاست‌جمهوری نامزد خواهد شد. در یازدهم سپتامبر، مرحله نخست باران پسین آغاز به باریدن کرد، و باران پسین همان است که محصول را به ثمر می‌نشانند. و در سال ۲۰۱۵، چهارده سال پس از آغاز آن بارانی که برداشت رسیده را پدید می‌آورد، کتاب یوئیل بانگ هشدار سر می‌دهد که چون دونالد ترامپ "قلمرو یونان را برمی‌انگیزد"، یا چنان‌که یوئیل می‌گوید، وقتی ترامپ در سال ۲۰۱۵ "امت‌ها را بیدار می‌کند"، برداشت کره زمین آغاز به رسیدن می‌کند.

مهم است دریابیم که نخستین حقیقت مذکور در باب یازدهم کتاب دانیال، نقش نبوی دونالد ترامپ است. نخستین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس که در کتاب دانیال نمایانده شده، بابل است. داستان بابل را در کتاب دانیال تصور کنید اگر نبوکدنصر از سوی الهام الهی برای استقرار الگویی نبوی به کار گرفته نمی‌شد. ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، بدون شهادت آخرین فرمانروای آن پادشاهی، ناقص است. قاعده ذکر نخستین، اهمیت ترامپ را به عنوان نمادی با اهمیت درجه نخست در رؤیایی که دانیال در روز بیست‌ودوم پس از سه هفته روزه‌داری دریافت کرد، تثبیت می‌کند.

اما رئیس مملکت فارس به مدت بیست‌ویک روز در برابر من ایستادگی کرد؛ لیکن اینک، میکائیل، یکی از رؤسای نخستین، به یاری من آمد؛ و من در آنجا نزد پادشاهان فارس باقی ماندم. اکنون آمده‌ام تا تو را بفهمانم که در ایام آخر بر قوم تو چه واقع خواهد شد، زیرا که این رؤیا هنوز برای روزهای بسیار است. دانیال ۱۰:۱۳، ۱۴.

رؤیای باب یازدهم نشان می‌دهد که در ایام آخر بر قوم خدا چه می‌گذرد، و اینکه ترامپ به عنوان رهبر ایالات متحده و سپس رهبر سازمان ملل متحد، حقیقتی است که پیامدهای ابدی دارد و با فهمیدن یا نفهمیدن آن حقیقت پیوند دارد. آن حقیقت چنان برای جبرئیل در رساندن به دانیال مهم بود که دانیال در آیه چهاردهم، بر پایه نوری که فرشته جبرئیل فراهم آورد، می‌نویسد که «غار تگران قوم تو» هستند که رؤیا را تثبیت می‌کنند. ناممکن است که بدون به‌کارگیری روم به منزله نقشه بنیادین، حرکت‌های دونالد ترامپ را در نبوت به‌درستی دنبال کرد و رد پای او را در تاریخ نبوی باب یازدهم دانیال بازشناخت.

ترامپ، به عنوان نماد ایالات متحده در دوران قانون یکشنبه، صورت وحش را پدید می‌آورد، و با این کار وحش را تکریم می‌کند؛ از این رو، آن صورت وحش است و نیز صورتی در تکریم وحش. در مکاشفه ۱۷، پایت هشتم است، یعنی از آن هفت است، و دونالد ترامپ از ۱۹۸۹ که زمان پایان است، هشتمین رئیس‌جمهور پس از ریگان است، اما او نیز ششم است؛ که بدین معناست که او هشتمی است که از

آن هفت است.

در مکاشفه باب هفدهم، یوحنا در آیه سوم به بیابان برده می‌شود، جایی که زن فاحشه‌ای را می‌بیند که بر وحشی سوار است. این فاحشه از سوی همه شاخه‌های عمده پروتستان به عنوان کلیسای کاتولیک شناسایی شده است، هرچند آنان همگی در آخرالایام اعتقادات بنیادین خویش را انکار می‌کنند. کلیسای رومی هنگامی که یوحنا او را دید، از خون شهیدان مست بود و لقب «مادر فواحش» را بر خود داشت. این امر نشان می‌دهد که یوحنا به سال ۱۷۹۸ منتقل شده بود؛ زمانی که دستگاه پاپی به خون شهیدان آغشته بود و برخی کلیساهای پیش‌تر پروتستان نیز از پیش به اتحاد با کلیسای کاتولیک رومی بازمی‌گشتند. در آن موضع، یوحنا «هفت پادشاه» را دید؛ پنج‌تای آنان تا سال ۱۷۹۸ سقوط کرده بودند، و یک پادشاهی در ۱۷۹۸ موجود بود، و آن پادشاهی ایالات متحده بود، اما پادشاهی دیگری مرگب از ده پادشاه پس از آن می‌آمد، زیرا در ۱۷۹۸، در همان جایگاهی که یوحنا ایستاده بود، پادشاهی هفتم هنوز نیامده بود. آن ده پادشاه برای ساعت بحران قانون یکشنبه سلطنت می‌کنند و توافق می‌کنند که پادشاهی هفتم خویش را به وحش پادشاهی پنجم بدهند، همان که در ۱۷۹۸ زخم مهلکی دریافت کرده بود.

عدد «۸» نمایانگر رستاخیز است، و پایت «هشتمی که از هفت است» به شمار می‌رود، آنگاه که زخم مرگبار آن در اتحاد سه‌گانه اژدها و وحش و نبی کاذب - که در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع رخ می‌دهد - شفا می‌یابد. در سال ۲۰۲۰، جهانی‌گرایان انتخابات را از ترامپ ربودند و او در خیابان‌های مکاشفه یازدهم کشته شد. دو شاهد مکاشفه یازدهم نمایانگر دو شاخ وحش زمین‌اند که هر دو در سال ۲۰۲۰ کشته شدند. ترامپ ششمین رئیس‌جمهور از زمان ریگان - در «زمان انتها» در سال ۱۹۸۹ - است؛ اما تا سال ۲۰۲۴، او همچنین «هشتمی که از هفت پادشاه پیشین است» نیز هست. در سال ۲۰۲۴، زخم مرگبارش شفا یافت و او هم‌زمان «هشتمی که از هفت است» گردید، در انطباقی تام با نماد نبوی که رؤیا را تثبیت می‌کند. اگر رم در کار نباشد، توان تعقب تحرکات صورت رم را نخواهی داشت.

## ماگا

برای فهم اینکه چگونه ترامپ، هنگام به‌انجام‌رسیدن «۲۵۰» سال نرون، کنستانتین کبیر است، یا چگونه او در ۲۰۷ پیش از میلاد آنتیوخوس کبیر است، یا چگونه او آخرین رئیس‌جمهوری است که سراسر جنبش عصر زرینش بر «عظیم» ساختن آمریکا مبتنی است، باید اذعان کرد که این فصل در آغاز ترامپ و نقش نبوی او را ذکر می‌کند.

امضای «حقیقت» که با واژه عبری «حقیقت» نمایانده می‌شود و از حرف نخست، سیزدهم و بیست‌ودوم الفبای عبری ترکیب یافته است، ریگان را به منزله حرف نخست، و اواما را به منزله حرف سیزدهم شورش مشخص می‌کند؛ چنان‌که در سال ۲۰۱۳ نمود یافت، آنگاه که رهبر پیشین دفتر تفتیش عقاید را نخستین پاپ یسوعی دنبال کرد. از آن‌جا که رهبر تفتیش عقاید بازنشسته شد، نقطه پایان او با نقطه آغاز پاپ یسوعی هم‌راستا است. آن پیوند میان دو پاپ اواما تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۳ بود. اواما با حرف سیزدهم شورش هم‌راستا است، و حرف بیست‌ودوم ترامپ است.

اصلاحیه بیست‌ودوم، رئیس‌جمهور را به دو دوره محدود می‌کند، و هنگامی که رؤسای جمهوری دو دوره‌ای را که دوره‌هایشان متوالی نبود در نظر بگیریم، تنها دو نفر وجود دارند. گروور کلیولند آلفای رؤسای جمهوری دارای دو دوره غیرمتوالی است و ترامپ امگا است. گروور کلیولند بیست‌ودومین رئیس‌جمهور بود، و ترامپ، به منزله امگای کلیولند، واجد تمایز آلفای «۲۲» است. کلیولند و ترامپ نمایانگر آلفا و امگایی هستند که نماد حرف بیست‌ودوم الفبای عبری را در خود دارند. تنها دو رئیس‌جمهور با دو دوره غیرمتوالی وجود دارد و ترامپ دوم آن دو است. دو امگا در بیست‌ودوی آلفا برابر با چهل‌وچهار است؛ نمادی از ۱۸۴۴، که خود نماد در بسته در قانون یکشنبه است، چنان‌که در

بسته ۱۸۴۴ آن را تمثیل می‌کند. ترامپ چهل و چهارمین شخص متمایزی است که مقام ریاست‌جمهوری را احراز کرده است، و او در هنگام بسته‌شدن در قانون یکشنبه، رئیس‌جمهور است.

ترامپ به وسیله کوروش بزرگ تمثیل شده است. کوروش بزرگ فرمان نخست را صادر کرد و اردشیر بزرگ فرمان سوم را صادر کرد. فرمان نخست و فرمان سوم با یکدیگر منطبق‌اند، زیرا عیسی همواره پایان را به وسیله آغاز می‌نمایاند. ترامپ زمانی حضور دارد که پایان «۲۵۰» سال نرون، که به وسیله کنستانتین بزرگ نمایانده می‌شود، فرا می‌رسد. در پایان «۲۵۰» سال از ۴۵۷ ق.م، ترامپ به وسیله آنتیوخوس بزرگ تمثیل می‌شود؛ آنتیوخوس که در سال ۲۰۲۴، در تحقق آیه سیزدهم، نیرومندتر از پیش بازگشت.

زیرا پادشاه شمال باز خواهد گشت و انبوهی بزرگ‌تر از نخستین گرد خواهد آورد، و پس از سالیانی معین، قطعاً با لشکری عظیم و ثروتی بسیار خواهد آمد. دانیال ۱۱:۱۳.

هنگامی که ایالات متحده در هنگام قانون یکشنبه به دست روم مغلوب گردد، آنگاه هر کشور جهان وادار خواهد شد در برابر روم سر تسلیم فرود آورد.

"کشورهای خارجی از الگوی ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، اما همان بحران دامنگیر مردم ما در همه نقاط جهان خواهد شد." گواهی‌ها، جلد ۶، ۳۹۵.

«ملت‌های بیگانه» به اجبار چنین می‌کنند، به دست ایالات متحده که در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع رهبری سازمان ملل متحد را بر عهده می‌گیرد. سازمان ملل متحد همان ده پادشاه مکاشفه فصل هفدهم است که آخاب، پادشاه ده سبط شمالی و همسر ایزابل، بر آنان حکم می‌راند. ازدواج ایزابل با آخاب همان ازدواجی است که در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع به کمال می‌رسد. در قانون یکشنبه، ایالات متحده—سرزمین جلال دانیال یازده و وحش زمینی مکاشفه سیزده—به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به تاریخ خود پایان می‌دهد. بر کوه کرمل، هشتصد و پنجاه نبی بعل و کاهنان بیبشه که بر سفره ایزابل غذا می‌خوردند، به دست ایلیا کشته می‌شوند. ایالات متحده در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع کشته می‌شود، همان‌گونه که انبیای کاذب بر کوه کرمل کشته شدند. از آن پس، داستان میان ایلیا در برابر آخاب و ایزابل جریان دارد، و آخاب نماینده پادشاهی ده‌گانه‌ای است که به دست کسی حکمرانی می‌شود که نخستین بار با ایزابل زنا کرد. ایزابل قصد دارد با هر پادشاهی زنا کند، اما آخاب نماینده نخستین این کار است، و این ایالات متحده است که بر کوه کرمل می‌میرد و بی‌درنگ نخستین معشوق ایزابل می‌گردد. از منظر دانیال یازده، در همان‌جا و در قانون یکشنبه است که ترامپ چون شاه نیرومند یونان، که اسکندر کبیر نماینده اوست، برمی‌خیزد.

و پادشاهی نیرومند بر خواهد خاست که با اقتداری عظیم سلطنت خواهد کرد و موافق اراده خویش عمل خواهد نمود. و چون او برپا شود، مملکتش شکسته خواهد شد و به سوی چهار باد آسمان تقسیم خواهد گشت؛ و نه برای ذریه‌اش، و نه بر وفق سلطنتی که او سلطنت می‌نمود؛ زیرا مملکت او برکنده خواهد شد، برای دیگرانی غیر از ایشان. دانیال ۱۱:۳، ۴.

دونالد ترامپ به منزله «پادشاه نیرومند» سازمان ملل متحد برمی‌خیزد؛ این پادشاه در آن آیه نمایانده شده و آنگاه به وسیله تاریخ اسکندر کبیر تمثیل می‌شود. هنگامی که او برمی‌خیزد، ایالات متحده، پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدس، به پایان می‌رسد، و پادشاهی هفتم ده پادشاه در مکاشفه فصل هفده آغاز می‌شود. ده پادشاه پادشاهی هفتم خویش را بدین‌گونه آغاز می‌کنند که همان‌جا و همان‌دم توافق می‌کنند پادشاهی هفتم خود را به قدرت پایی بسپارند؛ که همان پادشاهی هشتم است، و از هفت پادشاهی پیشین است. توافق ایشان برای تحقق اراده خدا بود، و اراده او سطر بر سطر در سراسر نوشتارهای حقیقت نمایانده شده است.

## نمونه‌انگاری روم

آیات پنج تا نه از فصل یازدهم دانیال به وسیله تاریخی نبوی تحقق یافت که پیش‌نمون کامل تاریخ قدرت پاپی بود، چنان‌که در آیات سی و یک تا چهل همان فصل بیان شده است. سیر تاریخی آیات پنج تا نه با سیر تاریخی آیات سی و یک تا چهل موازی است. هر دو سیر دوره‌ای را مشخص می‌کنند که در آن، قدرت نمایانگر روم پاپی نخست سه مانع را از پیش رو برداشت، مدتی سلطنت کرد، تا آنکه عهدی شکسته شد که پادشاه جنوب را بر آن قدرت برانگیخت و او زخم مهلکی بر آن وارد ساخت. هرچه این دو سیر با دقت بیشتری مطالعه و با تاریخ مقایسه شوند، دقت شگرف آنها آشکارتر می‌گردد. دقت آنها از این حیث است که هم ساختار نهفته در خود آیات و هم تاریخی را که آن آیات را تحقق بخشید، به دقت بازمی‌نمایانند.

تاریخی که تحقق آن پنج آیه را رقم زد، با تاریخی که در آیات سی‌ویک تا چهل درباره روم پاپی بیان شده، موازی و هم‌راستا است و زمینه معرفی آنتیوخوس کبیر را در آیات ده تا پانزده فراهم می‌کند.

اما پسرانش برانگیخته خواهند شد و انبوه لشکرهای عظیم را گرد خواهند آورد؛ و یکی یقیناً خواهد آمد و طغیان خواهد کرد و عبور خواهد کرد؛ سپس بازخواهد گشت و برانگیخته خواهد شد، حتی تا دژ او. دانیال ۱۱:۱۰.

در تحقق آیه دهم، آنتیوخوس کبیر تا دژ مصر پیروزمندانه پیش رفت و در آنجا به منظور تجدید قوا، لشکرکشی را پایان داد. آن تاریخ پیش‌نمون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ است، چنان‌که در آیه چهل‌همان باب بازنموده شده است.

و در زمان پایان، پادشاه جنوب بر او یورش خواهد برد؛ و پادشاه شمال با ارابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار چون گردبادی بر او خواهد تاخت؛ و به سرزمین‌ها داخل خواهد شد و سیل‌آسا از آنها عبور خواهد کرد. دانیال ۱۱:۴۰.

عبارت «بی‌گمان خواهد آمد و طغیان کرده عبور خواهد کرد» در آیه ده، در متن عبری، عیناً با عبارت «او به سرزمین‌ها داخل خواهد شد و طغیان کرده فرا خواهد گذشت» در آیه چهل یکسان است. هر دو آیه نشان می‌دهند که چه زمانی پادشاه شمال (آنتیوخوس در آیه ده و ریگان در آیه چهل) پادشاه جنوب (بطلمیوس در آیه ده و اتحاد جماهیر شوروی در آیه چهل) را شکست می‌دهد. هر دو حمله واکنشی بود در برابر پیروزی پیشین پادشاه جنوب (بطلمیوس در آیات پنج تا نه و ناپلئون در آیه چهل). انگیزه پادشاه جنوب برای حمله، عهدی شکسته بود (ازدواج برنیس در آیات پنج تا نه و معاهده شکسته تولنتینو ۱۷۹۷ با ناپلئون). ساختار نبوی مندرج در آیات و متمم بعدی آنها در تاریخ نیز با اشعیا ۸:۸ مطابقت دارد.

و او از یهودا خواهد گذشت؛ طغیان کرده و عبور خواهد کرد، تا به گردن خواهد رسید؛ و گستردن بال‌هایش پهنای سرزمین تو را پر خواهد کرد، ای عمانوئیل. اشعیا ۸:۸

وقتی اشعیا پیش‌بینی می‌کند که لشکر سنحاریب «طغیان کند و عبور کند»، این نیز همان عبارت عبری آیه‌های ده و چهل است. اشعیا زمانی را مشخص می‌کند که سنحاریب، پادشاه شمال، پادشاهی جنوبی یهودا را فتح کرد، اما اورشلیم را بر جای گذاشت؛ زیرا او تنها تا «گردن» رسید، همان‌گونه که آنتیوخوس در آیه ده تا مرز رسید. انگیزه سنحاریب این بود که حزقیا پیمان با آشور را شکسته بود، چنان‌که توقف خراج مورد توافق از سوی حزقیا نشان می‌داد. این پیمان شکسته، امر غیرمعمول نسبت به سه آیه موازی است. هر یک متضمن پیمانی شکسته بود، اما در مورد بطلمیوس و ناپلئون، پادشاه شمال به شکستن پیمان متهم بود. سنحاریب، پادشاه شمال، حزقیا را به امتناع از خراج مقرر متهم کرد.

و در سال چهاردهم پادشاهی حزقیا، سنحاریب، پادشاه آشور، بر همه شهرهای حصین یهودا لشکر کشید و آنها را گرفت. و حزقیا، پادشاه یهودا، به لایخیش نزد پادشاه آشور پیام فرستاد و گفت: «من خطا کرده‌ام؛ از من بازگرد. آنچه بر من مقرر داری، خواهم پذیرفت.» و پادشاه آشور بر حزقیا، پادشاه یهودا، سه صد وزنه نقره و سی وزنه طلا مقرر داشت. و حزقیا همه نقره‌ای را که در خانه خداوند و در خزاین خانه پادشاه یافت می‌شد، به او داد. دوم پادشاهان ۱۸: ۱۳-۱۵

سپاه شمالی سنحاریب در پیشروی به سوی اورشلیم، چهل‌وشش شهر یهودا را تصرف کرد. این که اشعیا ۸:۸ با آیات ده و چهل پیوند می‌یابد، از اهمیت نبوی بس بزرگی برخوردار است و بدین‌سان شاهد سومی بر فروپاشی پادشاهی جنوبی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ فراهم می‌آورد. آن فروپاشی آغازگر دوره‌ای تهی در آیه چهل است. از تحقق آیه چهل در ۱۹۸۹ تا رسیدن به آیه چهل‌ویک، که نمایانگر قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است، در آیه چهل دوره‌ای تهی وجود دارد. آن دوره از ۱۹۸۹ آغاز می‌شود و در قانون یکشنبه پایان می‌یابد. آیه چهل درباره آن بازه زمانی سخنی ندارد، اما آیه چهل را می‌توان با روش‌شناسی خط بر خط فهمید.

یکی از «کلید»های اصلی برای تثبیت تاریخ پنهان آیه چهل، گواهی اشعیا در باب جنگ تلافی‌جویانه پیروزمندانه پادشاهی شمالی بر ضد پادشاهی جنوبی است. خواه شورش حزقیا که از ادای تعهد پیشین پرداخت «خراج» به آشور دست کشید، خواه کنار نهادن برنیکه از سوی آنتیوخوس، یا معاهده تولنتینوی ناپلئون، هر سه آیه به وسیله روایت‌های تاریخی‌ای تحقق یافتند که بر پیمانی شکسته، به منزله انگیزه زیربنایی حمله، تأکید می‌کنند. در دوران ریاست‌جمهوری اوباما، زیر نظر وزارت امور خارجه جان کری، معاون وزیر، ویکتوریا نولند، موجب برپایی انقلابی رنگی برای سرنگونی دولت اوکراین شد. از آن پس درباره جنگ اوکراین دو سوی یک مناقشه پدید آمد: پوتین می‌گوید موضوع، پیمانی شکسته بود، و مخالفانش می‌گویند پیمانی که پوتین بدان اشاره می‌کند در بافتاری که او ادعا می‌کند هرگز وجود نداشته است. این که آیا واقعاً پیمانی بسته و سپس شکسته شده بود، یا برعکس، اهمیتی ندارد، زیرا سجل نبوی به سادگی پیمانی شکسته را به منزله انگیزه جنگ ثبت می‌کند.

اشعیا ۸:۸ «کلید»ی به دست می‌دهد تا دریابیم که پادشاه شمالی تنها تا گردن، یا تا سر، فتح می‌کند. آن «کلید» روسیه را به عنوان سری که پس از فروپاشی پیکر در ۱۹۸۹ بر جای ماند، شناسایی می‌کند. اهمیت نبوی آیه هشت نه تنها در «کلید» شناسایی سر است، بلکه شناسایی «گردن» که نمایانگر سر، یا شهر پایتخت است، تنها در پیوند با بخش پیشین همان رؤیای اشعیا ۸ قابل اثبات است. آن رؤیا در باب هفت آغاز می‌شود و در آیات هفت و هشت، «سر» به عنوان پادشاه، یا پادشاهی او، یا شهر پایتخت یک پادشاهی تعریف می‌شود. اورشلیم پایتخت یهودا بود که ۴۶ شهر آن به دست سپاه سنحاریب فتح شد، اما سنحاریب شهر پایتخت، یعنی اورشلیم، را بر جا گذاشت.

زیرا سر سوریه دمشق است و سر دمشق رصین؛ و تا شصت و پنج سال دیگر افزایش چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افزایش سامره است و سر سامره پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً برقرار نخواهید ماند. اشعیا ۸:۷، ۹.

هنگامی که سپاه سنحاریب در سال ۷۰۱ پیش از میلاد به دیوارهای اورشلیم رسید، او تا به گردن رسید، و بدین‌سان شاهدی تاریخی بر باقی‌ماندن روسیه پس از فروپاشی ۱۹۸۹ بر جای نهاد. آنگاه که آنتیوخوس کبیر تلافی‌جویی خود را بر ضد پادشاهی جنوبی آغاز کرد، در آیه ده به مرز مصر رسید، اما وارد نشد. آنچه در پیروزی آنتیوخوس در آیه ده حائز اهمیت است این است که پایان کارزار نظامی‌ای را نشان می‌دهد که فاقد نبردی متمایز بود، اما کار او را در بازاستقرار جغرافیای پیش‌تر از دست‌رفته نمایندگی می‌کند. فتح او در آیه ده نمایانگر فرجام چندین پیروزی است. او کارزار جنگ چهارم سوری را در رافیا به پایان رسانید؛ رافیا به معنای «سرزمین مرزی» است، و رافیا مرز، یا «گردن» مصر بود. کارزار آنتیوخوس در سال‌های ۲۱۹ تا ۲۱۷ پیش از میلاد نمایانگر طغیان و عبور فروپاشی اتحاد شوروی

از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ است، آنگاه که پادشاه از سرزمین‌ها عبور کرد.

از منظر نبوی، اشعیا ۸:۸ این امکان را فراهم می‌آورد که روسیه—به منزله «گردن» در نبرد سنحاریب، یا «دژ» در نبرد آنتیوخوس—در نبرد رافیا به عنوان «پادشاه جنوب» شناسایی شود، چنان که تحقق آیه یازده آن را نشان می‌دهد. بدین سان، به طور مستقیم تاریخ بیرونی—که به وسیله اژدها (پادشاه جنوب)، وحش (پادشاه شمال)، و نبی کاذب (قدرت نیابتی پادشاه شمال) نمایانده می‌شود—را با خط درونی نبوت—که نبوت شصت و پنج ساله آیه هفت از باب هفت نماینده آن است—پیوند می‌دهد.

از منظر نبوی، اهمیت برآمدن سنحاریب بر اورشلیم یکی از نیرومندترین شهادت‌های نبوی به قدرت خدا در کتاب مقدس را به دست می‌دهد، زیرا خدا در آنجا سپاه سنحاریب را به شمار ۱۸۵,۰۰۰ نفر در یک شب نابود ساخت. روز پیش از آن، بر دیوار اورشلیم، هر دو، الیاقیم و شینا، حاضر بودند؛ نمادهای ادونتیسیم لاودیکیایی و فیلادلفیایی که در در بسته ۱۸۴۴ و در بسته قانون روز یکشنبه مشخص می‌گردند.

و واقع شد در سال چهاردهم پادشاهی حزقیا که سنحاریب، پادشاه آشور، بر تمامی شهرهای حصاردار یهودا برآمد و آنها را گرفت. و پادشاه آشور ریشاقه را با سپاهی عظیم از لاخلش به اورشلیم نزد پادشاه حزقیا فرستاد. و او نزد آبراه حوض بالایی، بر راه کشتزار رخت‌شویان، ایستاد. آنگاه نزد او بیرون آمدند الیاقیم، پسر حلقیا، که بر خانه بود، و شینا، کاتب، و یوآخ، پسر آساف، وقایع‌نگار. اشعیا ۳۶:۱-۳.

در باب هفتم کتاب اشعیا، اشعیا با پیامی نزد آحاز شریر، پادشاه یهودا، یعنی پادشاهی جنوبی، فرستاده می‌شود. همان پادشاهی است که سنحاریب در باب هشتم، آیه هشتم، بدان یورش می‌برد. هنگامی که اشعیا پادشاه شریر آحاز را ملاقات می‌کند، او را «نزد آبراه حوض بالایی، بر شاهراه مزرعه رخت‌شویان» می‌یابد؛ درست همان جایی که ریشاقه به نام خداوند کفر می‌گوید. اشعیا تعلیم داد که او و فرزندانش نشانه‌ها بودند.

اینک، من و فرزندانی که خداوند به من عطا کرده است، برای آیات و عجایب در اسرائیل هستیم، از جانب خداوند لشکرها، که در کوه صهیون ساکن است. اشعیا ۸:۸.

هنگامی که اشعیا با پادشاه شریر، آحاز، «نزد مجرای حوض بالایی، در شاهراه مزرعه قصار» ملاقات کرد، پسرش شیتّر یاشوب را، که به معنای «باقی‌مانده بازخواهد گشت» است، با خود آورده بود.

آنگاه خداوند به اشعیا فرمود: اکنون بیرون برو تا با آحاز دیدار کنی، تو و پسرت، شیتّر یاشوب، در انتهای مجرای آب حوض بالایی، در شاهراه مزرعه قصار. اشعیا ۷:۳.

شمار یاشوب نشان می‌دهد که پیامی که اشعیا در «انتهای آبراه حوض بالایی در شاهراه مزرعه قصار» اعلام کرد، پیامی است که بقیت بازگشت‌کننده را معرفی می‌کند. آن بقیت همان کسانی‌اند در کتاب ملاکی که فراخوانده می‌شوند تا با بازگشت به سوی او، خداوند را بیازمایند و دهیک‌ها را به انبار بازآورند. بازگشتگان همچنین نزد ارمیا نمایانده شده‌اند به منزله کسانی که پس از نخستین نومیدی بازمی‌گردند. در فصل هفتم، «انتهای آبراه حوض بالایی در شاهراه مزرعه قصار» صحنه‌ای است که در آن اشعیا پیامی به پادشاه شریر جنوب می‌دهد، و در اشعیا سی و شش، الیاقیم و شینه و یوآخ منشی از جانب حزقیا به گفتگو پرداختند، در حالی که ریشاقه نماینده سنحاریب بود.

نخستین پیام «انتهای مجرای حوض فوقانی در شاهراه مزرعه رخت‌شویان» از سوی اشعیا و پسرش اعلام شد، و آخرین پیام «انتهای مجرای حوض فوقانی در شاهراه مزرعه رخت‌شویان» از سوی سه شخص اعلام گردید. نخستین پیام خطاب به پادشاه داخلی بود و دومی خطاب به پادشاه خارجی. خط

فاصل، دیوار است؛ دیواری که نماد شریعتِ خداست، و قانون یکشنبه نمایانگر برداشته شدن دیوار جدایی کلیسا و دولت است. در نقطهٔ قانون یکشنبه، یا در کنار آن دیوار، سه نماد وجود دارد: الیاقیم، فیلادلفیاست؛ شبنه، لاودیکیه است؛ و یوآب وقایع‌نگار، ساردیس است.

در زمان قانون روز یکشنبه، مطابق دانیال ۱۱:۴۱، بسیاری فرو می‌افتند و آن اشخاص کسانی‌اند که در قبال نور مربوط به سبت روز هفتم پاسخگو هستند. آنان که در آیهٔ ۴۱ فرو می‌افتند، ادونتیس‌های روز هفتم لاودیکیه‌ای هستند و الیاقیم نمایندهٔ فیلادلفیا است.

و در آن روز چنین خواهد شد که بنده‌ام، الیاقیم، پسر حلقیا، را فرا خواهم خواند؛ و او را به ردای تو خواهم پوشانید، و او را به کمر بند تو استوار خواهم ساخت، و حکومت تو را به دست او خواهم سپرد؛ و او برای ساکنان اورشلیم و برای خاندان یهودا پدر خواهد بود. و کلید خانهٔ داود را بر دوش او خواهم نهاد؛ پس او خواهد گشود و هیچ‌کس نخواهد بست؛ و او خواهد بست و هیچ‌کس نخواهد گشود. اشعیا ۲۰:۲۲-۲۳.

و به فرشتهٔ کلیسای فیلادلفیه بنویس: اینها را می‌گوید آن قدّوس، آن راستین، آن که کلید داوود را دارد؛ آن که می‌گشاید و هیچ‌کس نمی‌بندد، و می‌بندد و هیچ‌کس نمی‌گشاید: اعمال تو را می‌دانم؛ اینک دری گشوده در برابر تو نهاده‌ام که هیچ‌کس آن را نتواند بست؛ زیرا اندک قوتی داری و کلام مرا نگاه داشته‌ای و نام مرا انکار نکرده‌ای. اینک کسانی از کنیسهٔ شیطان را که می‌گویند یهودی‌اند و نیستند، بلکه دروغ می‌گویند، و ادار خواهم کرد که بیابند و در برابر پاهایت سجده کنند و بدانند که تو را دوست داشته‌ام. مکاشفه ۷:۳-۹.

شینا با الیاقیم جایگزین می‌شود، و شینا بر دیوار نمایانگر ادونتیس‌های روز هفتم لاودیکیه‌ای است که از بهره‌مند شدن از پیام باران پیشین یا باران پسین امتناع می‌ورزند. باران پیشین در میان کلیسا به وسیلهٔ اشعیا و بقیه‌ای که بازگشتند نمایانده شد، و پیام متوجه کلیسای مرتدی بود که پادشاه شریر، آحاز، نمایندهٔ آن بود. پیامی که از بر دیوار داده شد به پادشاه شریر شمال که قصد داشت اورشلیم را مغلوب سازد داده شد، و این، در نسبت با باران پیشین، نمایانگر باران پسین است. تا زمانی که کلیسای خدا داوری می‌شود، باران پیشین یا نخستین به شکل بارشی خفیف می‌بارد، اما در هنگام «قانون یکشنبه» باران بی‌پیمانه فرو ریخته می‌شود. پیام به آحاز پیام درونی بود؛ پیام به سنحاریب بیرونی بود. ندای نخست مکاشفه ۱۸:۱۱-۱۳ تکرار پیام فرشتهٔ دوم است و درونی است. ندای دوم مکاشفه ۱۸:۴ بیرونی است و همان پیام فرشتهٔ سوم است. اشعیا و پسرش پیام درونی فرشتهٔ دوم را آوردند، و بر دیوار، با پیامی بیرونی، سه نفس حضور دارند.

الیاقیم همان یکصد و چهل و چهار هزار است، و شبنه همان ادونتیس‌های روز هفتم لاودیکیه‌ای است که خداوند در آن زمان آن را از دهان خویش قی می‌کند. یوآب وقایع‌نگار نمایندهٔ گله دیگر خداست که تاریخ منتهی به دیوار را ثبت می‌کنند تا رایت الیاقیم را، آنگاه که برافراشته می‌شود، بازشناسند.

اشعیا ۸:۸ پیام‌های فصل‌های شش تا دوازده کتاب اشعیا را به کتاب دانیال، فصل یازده، آیهٔ ده، می‌آورد. بدین‌گونه، گواه دومی بر این امر فراهم می‌آورد که رأس پادشاهی پس از حمله بر جای باقی می‌ماند. دعوی نقض عهدی را مشخص می‌کند که برای برانگیختن نبرد به کار می‌رود.

از فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۸۹، که در آیهٔ چهل بازتاب یافته، تا قانون قریب‌الوقوع یکشنبه که در آیهٔ بعدی نمایانده شده است، سی‌وهفت سال تاریخ نبوی وجود دارد که آیهٔ چهل دربارهٔ آن هیچ نمی‌گوید. آیات ده تا پانزده دانیال باب یازده آن تاریخ نبوی مغفول در آیهٔ چهل را نشان می‌دهند. این امر تنها با به‌کارگیری روش «خط بر خط» قابل رؤیت است. «اگر ایمان نیاورید، هرآینه استوار نخواهید ماند»، هشدار نبوی پیوسته به سه آیه‌ای است که ۱۹۸۹ را توصیف می‌کنند، و تحقق تاریخی آیهٔ هشت اشعیا باب هشت، آزمونی را برای الیاقیم و شبنه تصویر می‌کند. آیا می‌بینید، یا کورید؟

آیهٔ چهل و یکم فصل یازدهم کتاب دانیال، همان قانون یکشنبه‌ای است که به زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد و نمونهٔ آن، تاریخی است که آیهٔ شانزدهم را تحقق بخشید.

اما آن که بر ضد او برمی‌آید، هر چه بخواهد خواهد کرد و هیچ‌کس در برابر او نخواهد ایستاد؛ و او در سرزمین باشکوه خواهد ایستاد، که به دست او نابود خواهد شد. دانیال ۱۱:۱۶.

او همچنین وارد سرزمین باشکوه خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادوم، موآب و بزرگان بنی‌عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

تحقق تاریخی آیهٔ شانزدهم تا آیهٔ سی‌ام در باب یازدهم کتاب دانیال، تاریخ روم و ثنی است. هر سطر نبوتی در باب یازدهم دانیال یا به‌گونه‌ای نمونه‌وار، تاریخ روم و ثنی، پاپی یا مدرن را نمایان می‌کند. هر سطر یا به‌طور مستقیم تاریخی رومی را معین می‌سازد، یا به‌گونه‌ای نمونه‌وار، تاریخی رومی در آینده را نمایان می‌کند. هر سطر آیتی که مستقیماً به تاریخی که به دست روم و ثنی تحقق یافته ارجاع می‌دهند، به نحوی نمونه‌وار بر روم پاپی دلالت می‌کنند. روم و ثنی و روم پاپی با هم بر روم مدرن شهادت می‌دهند. روم، رؤیا را تثبیت می‌کند، زیرا از آغاز باب تا پایان، رؤیا دربارهٔ روم است.

عیسی تصریح کرد که خائنی وجود دارد، بدین منظور که هنگامی که خیانت یهودا آشکار گردد، شاگردانش ایمان بیاورند.

«در اعلام وای بر یهودا، مسیح نیز مقصودی رحمت‌آمیز نسبت به شاگردان خویش داشت. بدین‌سان قاطع‌ترین دلیل بر مسیحییت خود را به آنان عطا کرد. فرمود: "پیش از آنکه واقع شود به شما می‌گویم، تا چون به وقوع آید، ایمان آورید که من هستم." اگر عیسی خاموش می‌ماند و چنان می‌نمود که از آنچه بنا بود بر او آید بی‌خبر است، ممکن بود شاگردان بیندیشند که استادشان بصیرت الهی ندارد و غافلگیر شده و به خیانت به دست جماعت آدم‌کش سپرده شده است. یک سال پیش، عیسی به شاگردان گفته بود که دوازده تن را برگزیده است، و یکی از آنان شیطان است. اکنون کلمات او خطاب به یهودا، که نشان می‌داد خیانت او بر استادش به‌تمامی معلوم است، ایمان پیروان راستین مسیح را در هنگام اتضاع او استحکام می‌بخشید. و چون یهودا به فرجام هولناک خویش می‌رسید، آنان واپی را که عیسی بر آن خیانت‌کار اعلام کرده بود به یاد می‌آوردند.» اشتیاق اعصار، ۶۵۵.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، شیر قبیلهٔ یهودا گشودن مهر مکاشفهٔ خویش را آغاز کرد و آزمون بنیادین آغاز شد. موضوع آزمون این بود که آیا رم همچنان آن نمادی است که در آیهٔ چهاردهم رؤیا را تثبیت می‌کند، یا آن که امور دگرگون شده است؟ هنگامی که نخستین ضد مسیح برخاسته از ایالات متحده در ۸ مهٔ ۲۰۲۵ آغاز به حکمرانی کرد، آیهٔ چهاردهم به تحقق رسیده بود. آنگاه آشکار شد که رابطهٔ میان ترامپ و پاپ لئو به‌صورت نمونه‌وار در ریگان و ژان پل دوم بازنمود یافته بود. جنگ اوکراین که در سال ۲۰۱۴، آنگاه که وزارت خارجهٔ ایالات متحده در اوکراین انقلاب رنگی پدید آورد، آغاز شد، در دوران ریاست‌جمهوری اوباما رخ داد؛ او که دوران زمامداری‌اش با دو پاپ هم‌زمان بود. ریگان و ژان پل دوم در آیهٔ ده مطرح‌اند؛ و سپس در ۲۰۱۴، جنگ اوکراین آغاز شد، چنان‌که در آیهٔ یازدهم به‌صورت نبرد سرزمین مرزی، یا نبرد رافیا، بازنموده شده است. «رافیا» به معنای «سرزمین مرزی» است، و واژهٔ «اوکراین» نیز همین معنا را دارد. در آن تاریخ، اوباما و دو پاپ، نشانگر نبرد دوم از سه نبرد آیات ده تا پانزده‌اند. سپس در ۲۰۲۴، ترامپ در تحقق آیهٔ سیزدهم بازگشت. آنگاه در آیهٔ چهاردهم، با فرارسیدن همتای پاپی ترامپ، رؤیا تثبیت می‌گردد.

آنچه به اثبات رسیده این است که سه نبرد آیات ده تا پانزده، نمایانگر سه نشانهٔ راه‌اند که هر یک رابطهٔ میان ایزابل و آخاب را، که در هنگام قانون یکشنبه به کوه کرمل منتهی می‌شود، تعیین می‌کند. در روزگار ریگان، ایزابل در سامره بود و به‌واسطهٔ ائتلافی سری پنهان می‌شد. سپس کاهنان بعل و

پیامبران بیشه، روح‌گرایی کاتولیسیسم لیبرال «ووک» را، که با نمادپردازی اسکیزوفرنیکِ اوباما از هر دو: نبی کاذبِ پروتستانتیسم مرتد و نبی کاذبِ اسلام، و نیز با پرستشِ مادرِ زمین و با بی‌عفتی و هرج‌ومرجِ انقلابِ فرانسه درآمیخته بود، برافراشتند. آنگاه ترامپ در سال ۲۰۲۴ بازگشت، و در ۲۰۲۵ رابطه علنی میان وحش و صورت آن مکشوف گردید. اکنون سال ۲۰۲۶ است، و آزمون رؤیتِ بیرونی بنیاد سپری شده است، و ما اکنون در آزمون رؤیتِ هیکل قرار داریم.

آیه یازدهم در نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد تحقق یافت و به‌گونه‌ای نمونه‌وار نمایانگر جنگ اوکراین است که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، در سال ۲۰۲۲ تشدید گردید، و اکنون در آستانهٔ پایان است. پوتین غالب خواهد شد، اما این پیروزی صرفاً آغاز زوال او را رقم می‌زند. ساختار نبوی آیه یازدهم، و تحقق تاریخی آن در پیروزی بطلمیوس در نبرد رافیا در سال ۲۱۷ پیش از میلاد—که خود تحقق آیه یازدهم از باب یازدهم است—با تاریخ نبوی پادشاه عزیا انطباق دارد. هم بطلمیوس و هم عزیا پادشاهانی جنوبی بودند که به سبب پیروزی‌های نظامی دل‌هایشان بلند شد، اما همین دل‌های بلندشان هر دو را به سقوط کشاند، و زوال هر دو با کوشش‌های مشابهشان برای تقدیم قربانی در معبد اورشلیم پیوند دارد.

ما در مقالهٔ بعدی به بررسی سقوط پوتین که در آیهٔ پانزدهم به نبرد پانیوم منتهی می‌شود، ادامه خواهیم داد.